



اخیراً بحث‌هایی مبنی بر تشکیل فراکسیون میانه‌روها در مجلس دوازدهم مطرح شده است. به نظر شما تشکیل چنین فراکسیونی چقدر می‌تواند در مجلس بعدی اثرگذار باشد؟



حسین نقاشی: مجلس بعدی عرصه رقابت جدی بین طرفداران آقای قالیباف و جریانی که تحت عنوان آنا و صبح ایران شکل گرفته، خواهد بود. جبهه پایداری هم درست است که در انتخابات مجلس با طیف آقای قالیباف به یک همگرایی و لیست مشترک رسیده است اما از آنجایی که از لحاظ رویکردهای سیاسی و ایدئولوژیک به جریان تندرو آنا و صبح ایران نزدیکتر است، در حوزه فرهنگی و اجتماعی و سیاست خارجی با آقای قالیباف مؤتلف باقی نمی‌ماند. البته ممکن است در تقسیم موقعیت و جایگاه‌های مجلس از جمله نایب رئیس، هیئت‌رئیس و رؤسای کمیسیون‌ها که در واقع نزاع بر سر کرسی‌ها است در ائتلاف با آقای قالیباف باقی بمانند. در نهایت در مسائل حساس و کلیدی که در مواردی که در بالا ذکر کردم، از جمله مسائل فرهنگی و اجتماعی و... حتی همان جبهه پایداری که در لیست انتخابات با آقای قالیباف مؤتلف بود، با جریان مقابل همسویی‌هایی پیدا خواهد کرد. در نتیجه عده‌ای که خود را فراکسیون اقلیت می‌نامند و یا همین گروه‌هایی که تحت عنوان روزنه‌گشایی اقدامات خاصی انجام دادند، تاثیر خاصی نخواهند داشت و در مسائل کلان و سیاست‌های اصلی تفاوت فاحش چندانی با همدیگر ندارند که بتوانند در ائتلاف با جامعه مدنی کفه‌ای را به سود جامعه مدنی و یا معترضین که در این انتخابات

سعید نورمحمدی:
تشکیل فراکسیون میانه‌روها در مجلس دوازدهم فراتر از انتظار احزاب اصلاح‌طلبی بود که به دنبال تشکیل چنین فراکسیونی بودند. تعداد نماینده‌هایی که در جلسه اول تاسیس فراکسیون شرکت کردند، به این معنی است که این فراکسیون می‌تواند نقش قابل در مجلس دوازدهم داشته باشد. اگر مناسبات درونی نمایندگان مجلس به نفع این فراکسیون رقم زده شود و براساس خواسته آنها پیش برود، بدون تردید این فراکسیون، تاثیرگذارترین فراکسیون مجلس آینده خواهد بود.

خاموش بودند و پای صندوق‌های رای نرفتند، ایجاد کنند. در واقع اینکه یک ترمز ی‌باشند در مقابل تصویب قوانین رادیکال و تندرو، امکان‌پذیر نیست. البته اگر این موضوع را در نظر بگیریم که نمایندگی مجلس دو شأن قانونگذاری و نظارتی دارد، در شأن قانونگذاری بعید است طرحی را بتوانند به مجلس ببرند و تاثیرگذاری خاصی نخواهند داشت، اما ممکن است برخی از آنها (می‌گویم برخی چرا که همین افرادی که تحت عنوان اقلیت‌ها مطرح می‌شوند، متکثر است و از افرادی همچون آقای مطهری در لیست وجود داشته تا افرادی همچون آقای پزشکیان که در برخی از مسائل اجتماعی و فرهنگی رویکرد گشاده‌تری دارد) در بُعد نظارتی بتوانند اقداماتی را انجام دهند. البته آن هم در حد افرادی همچون آقای پزشکیان، چراکه افراد دیگری یا سیاسی نیستند، یا شجاعت سیاسی لازم را ندارند که بخواهند درباره مسائل حساس همچون حجاب اظهارنظری کنند و نطق پیش از دستوری داشته باشند و در شأن نظارتی نیز چندان به نظر نمی‌رسد که شجاعت آنچنانی از خود داشته باشند. در واقع یکسری افراد میان‌مایه هستند که در نبود چهره‌های برجسته سیاسی شرایطی برای آنها پیش آمده است که بتوانند نماینده مجلس شوند و به نظر من هر عنوان میانه‌رو حرف‌هایی است که تحت این عنوان مطرح می‌شود و پروپاگاندای سیاسی است و ارزش واقعی و ملموسی در عرصه سیاسی ندارد.

سعید نورمحمدی: تشکیل فراکسیون میانه‌روها در مجلس دوازدهم فراتر از انتظار احزاب اصلاح‌طلبی بود که به دنبال تشکیل چنین فراکسیونی بودند. تعداد نماینده‌هایی که در جلسه اول تاسیس فراکسیون شرکت کردند، به این معنی است که این فراکسیون می‌تواند نقش قابل توجهی در مجلس آینده داشته باشد. اگر مناسبات درونی نمایندگان مجلس به نفع این فراکسیون رقم زده شود و براساس خواسته آنها پیش برود، بدون تردید این فراکسیون، تاثیرگذارترین فراکسیون مجلس آینده خواهد بود.



احمد مازی: من فکر می‌کنم یک جریان سیاسی باید از هر فرصتی برای فعالیت سیاسی استفاده کند. از جمله این فرصت‌ها، فرصت حضور در مجلس است. ما الان اطلاع داریم که اکثریت متخین از یک گرایش سیاسی هستند (که البته بین خود آنها هم اختلاف است و در خیلی مسائل وحدت‌نظر ندارند.) اما یک اقلیتی هم از اصلاح‌طلبان و نیروهای معتدل و میانه‌رو در حوزه‌های انتخابیه شهرستان‌ها انتخاب شده‌اند. دوستیانی که بحث فراکسیون میانه‌روها را مطرح کرده‌اند، اگر واقعاً بتوانند این افراد را منسجم کنند و از نظر مدیریت و سازماندهی با قدرت عمل کنند، قطعاً چنین فراکسیونی می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها تاثیرگذار باشد.

تشکیل چنین فراکسیونی چقدر می‌تواند با احزاب اصلاح طلب ارتباط داشته باشد و به عبارت دیگر این فراکسیون تا چه اندازه می‌تواند با احزاب اصلاح طلب ارتباط برقرار کند؟



حسین نقاشی: این را می‌پذیرم که گفت‌وگو میان احزاب و یا اصلاحات متاعی نیست که در اختیار افراد خاصی باشد و تنها آنها عرضه‌کننده آن باشند، اما اگر به‌عنوان سازمان سیاسی رسمی که الان در سپهر سیاسی و رسانه‌ای کشور به رسمیت شناخته شده است در قالب احزاب موجود و جبهه اصلاحات ایران بشناسیم می‌گویم که گفت‌وگو اصلاحی متعلق به یک فرد یا چهره و شخصیت و احزاب خاصی نیست اما اگر بپذیریم که به صورت نمادین این جبهه اصلاحات ایران و برخی از افراد شاخص آن نماینده جریان اصلاحات هستند، خیر، اینها هیچگونه ارتباط سیستماتیک ندارند و در آینده نیز نخواهند داشت و دلیل روشن است. چراکه می‌دانند وقتی آنها گفتند در انتخابات کاندیدایی نداریم و شرکت نمی‌کنیم و حمایتی هم نکردند، هم آنها خود را چندان ملزم به نزدیک کردن به جبهه اصلاحات و کسانی که مخالف انتخابات بودند نمی‌دانند و آنقدری هم درک سیاسی دارند که با توجه به اتمسفر و فضای سیاسی حاکم در کشور و حضور اکثریت قوی جریان‌های تندرو در مجلس، خود را اساساً نزدیک به جبهه اصلاحات نخواهد کرد، چراکه فشار سیاسی شدیدی را به آنها تحمیل می‌کند و آنها آمادگی و ظرفیت سیاسی این را ندارند که بخواهند به این جریان نزدیک شوند، چراکه می‌دانند فشارهای سیاسی زیادی را بر آنها تحمیل خواهد کرد و در آینده نیز هیچ ارتباط ارگانیک

احمد مازی:
این موضوع بستگی به خود نماینده‌های عضو فراکسیون و اصلاح طلب دارد. ما اگر امر سیاسی را امری صفر و صدی ببینیم و تابع سیاست همه یا هیچ باشیم، حتی اگر این تفکر از سوی یک نماینده باشد، نمی‌تواند ارتباطی با احزاب برقرار کند و از آن سو اگر این تفکر در بین احزاب و دبیرکل‌های آنها باشد، آنها هم نمی‌توانند ارتباط مؤثر را با نماینده‌ها داشته باشند

جدی با جریان اصلاحات و جبهه اصلاحات و احزاب اصلی این جبهه خواهند داشت.
سعید نورمحمدی: به‌طور طبیعی، فراکسیون میانه‌روها با احزاب اصلاح‌طلب در ارتباط است ولی بنای خود احزاب اصلاح‌طلب این است که در مسائل داخلی فراکسیون و مجلس دخالت نکنند و تنها نقش مشورتی داشته باشند و در مورد برخی لوابح، طرح‌ها و موضوعات مهم نظرات مشورتی به این فراکسیون دهند و کمک کنند که این فراکسیون در سپهر سیاسی کشور نقش تاثیرگذاری داشته باشد. به هر حال این ارتباط با احزاب و تشکل‌های اصلاح‌طلب وجود خواهد داشت؛ ولی به این معنا که احزاب بخواهند در امور این فراکسیون دخالت کنند، نخواهد بود، احزاب چنین برنامه‌ای ندارند و چنین دخالتی از سوی احزاب در امور فراکسیون به مصلحت فراکسیون و مجلس هم نخواهد بود.



احمد مازی: این موضوع بستگی به خود نماینده‌های عضو فراکسیون و همچنین احزاب اصلاح‌طلب دارد. ما اگر امر سیاسی را امری صفر و صدی ببینیم و تابع سیاست همه یا هیچ باشیم، حتی اگر این تفکر از سوی یک نماینده باشد، نمی‌تواند ارتباطی با احزاب برقرار کند و از آن سو اگر این تفکر در بین احزاب و دبیرکل‌های آنها باشد، آنها هم نمی‌توانند ارتباط مؤثر را با نماینده‌ها داشته باشند. من می‌خواهم نقدهای به نوع

تشکیل چنین فراکسیونی چقدر می‌تواند با احزاب اصلاح طلب ارتباط داشته باشد و به عبارت دیگر این فراکسیون تا چه اندازه می‌تواند با احزاب اصلاح طلب ارتباط برقرار کند؟

تعامل برخی از احزاب با فراکسیون امید در مجلس دهم داشته باشیم. با اینکه ما یک جمع کثیری در فراکسیون امید بودیم، اما برخی از احزاب ارتباط کاری و ارتباطی که بتوانند در سازماندهی و هم‌افزایی بین نماینده‌ها مؤثر باشد و در مجلس حضورشان تاثیرگذار باشد را با نماینده‌های فراکسیون نداشتند و حتی گاهی موضع انتقادی غیرسازنده هم می‌گرفتند. برخی از خود نماینده‌های مجلس هم به جای هم‌افزایی، گرایش همکاری با اصول‌گرایان را داشتند اما در برخی از دوره‌ها تعداد کمتری از نماینده‌ها وجود داشتند که در اقلیت بودند اما یک اقلیت منجسم محسوب می‌شدند، یعنی هم درون مجلس متحد بودند و هم بیرون از مجلس تاثیر داشتند اما ما در مجلس دهم با اینکه تعدادمان تاثیرگذار نبود، به دلیل ضعف‌هایی که از جهت سازماندهی داشتیم، نتوانستیم کاری انجام دهیم. الان هر عرض من این است که آقایان و خانم‌هایی که در مجلس دوازدهم رای آورده‌اند و گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی دارند، با حفظ همه ملاحظات باید هویت اصلاح‌طلبی خود را حفظ کنند و در جریان‌های موجود در مجلس هضم نشوند و همچنین مرعوب این جریان‌های اصول‌گرای که در مجلس تشکیل شده، نشوند. مردم با شناخت از مواضع فکری به این‌ها رای دادند و این نماینده‌ها باید میانی‌فکری را حفظ کنند. احزاب هم آن سیاست همه یا هیچ را دنبال نکنند، بلکه استفاده از حداقل فرصت‌ها برای حداکثر میل به هدف‌های مردمی و ملی را مدنظر قرار دهند.

تشکیل چنین فراکسیونی چقدر می‌تواند در فضای سیاسی ایران جایگاه داشته باشد و به عبارتی به غیر از مجلس، در فضای کلی سیاست تاثیر داشته باشد؟



حسین نقاشی: به نظر من خیر. اولاً در انتخاباتی به‌عنوان نماینده انتخاب شدند که یکی از کمترین حضورهای تاریخی مردم را در چهار دهه بعد از انقلاب شاهد بودیم و طبیعتاً متخین این چنینی در آن بدنه اجتماعی که تحت عنوان میانه‌رو خود را باید معرفی کنند، از به کاربردن عنوان اصلاح‌طلب پرهیز می‌کنند. برخی نیز خود را منسوب و منتسب به جریان اعتدالی می‌دانند. برای مثال در بدنه اجتماعی واقعی و ملموس چه در عرصه حقیقی جامعه و چه در شبکه‌های اجتماعی، میانه‌رو و اعتدالی در اطراف آقای روحانی چه کسانی هستند؟ مردمی که بگویند ما اعتدالی هستیم را من نمی‌شناسم. الان همین اصلاح‌طلبانی که در جبهه اصلاحات هستند، بدنه اجتماعی از آنها عبور کردند و حداکثر این است که اگر صدایی می‌شنوند مربوط به برخی از این جریان‌ها و اشخاصی مثل آقای تاج‌زاده و یا دیگری است که واضع‌تر بخشی از مطالبات مردم را مطرح می‌کنند. بنابراین در جامعه، مردمی را که تحت عنوان میانه‌رو این گروه را به رسمیت بشناسند، یا خود را منتسب به این گروه و یا سپاد بداند، نمی‌شناسم نه این عبارت میانه‌رویی و نه آن جریانی که می‌گوید اعتدالی است و یا محوریت آقای روحانی شکل گرفته است. اینها جریاناتی هستند که در فرادست سیاست ساخته شده‌اند، نه اینکه از بدنه جامعه جوش

حسین نقاشی:
عده‌ای که خود را فراکسیون اقلیت می‌نامند و یا همین گروه‌هایی که تحت عنوان روزنه‌گشایی اقدامات خاصی انجام دادند، تاثیر خاصی نخواهند داشت که بتوانند در ائتلاف با جامعه مدنی کفه‌ای را به سود جامعه مدنی و یا معترضین که در این انتخابات خاموش بودند و پای صندوق‌های رای نرفتند، ایجاد کنند



کرده باشد و به سمت بالا رفته باشد. در مردم پایگاه اجتماعی خاصی به این نام میانه‌رویی و اعتدالی نمی‌شناسم و بنابراین جایگاه خاصی ندارند و حمایت خاصی هم نخواهند شد.
سعید نورمحمدی: در جلسه‌ای که با برخی از اعضای که قصد تشکیل این فراکسیون را داشته‌اند، به صورت فردی داشتیم، به آنها تاکید کردیم که این فراکسیون باید نقش بسیار جدی در سپهر سیاسی کشور داشته باشد. مسئله توانستن نیست، مسئله این است که این فراکسیون باید حتماً تلاش خود را انجام دهد که در فضای سیاسی کشور تاثیرگذار باشد و مطالبات مردم را نمایندگی کند و فراکسیون حامی مردم باشد و حتی از مردمی حمایت کند که به نماینده‌های این فراکسیون رای نداده‌اند. ما به اعضای فراکسیون تاکید کرده‌ایم که اگر فراکسیون میانه‌روها بتواند صدای مردم باشد، دور از ذهن نیست که حتی در مجلس سیزدهم تبدیل به فراکسیون اکثریت شده و حتی تاثیر بسیار جدی روی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۴ بگذارد.



احمد مازی: من یک تجربه‌ای را بگویم. سال سوم مجلس دهم در کمیسیون فرهنگی من رای اکثریت را برای ریاست کمیسیون داشتم اما

دوستان جبهه اصول‌گرای که یک رای از آنها به سید رای من ریخته شده بود، یکی دو جلسه حضور نداشتند اما در همان جلسه‌ها گفتیم با همین حد نصاب جلسه را تشکیل می‌دهیم و موضوعات را بررسی می‌کنیم. خیلی زود این ترکیب خودش را نشان داد که یک جمع دارای فکر واحد، واقعاً نمی‌تواند بدون تضارب آرا مؤثر باشد و صدای خودمان هم در آمد که اینطور نمی‌شود. به هر حال با میانجیگری‌هایی که از سوی برخی دوستان صورت گرفت، نماینده‌های اصول‌گرا به جلسه کمیسیون برگشتند و رونق به جلسه‌ها برگشت. در سطح جامعه هم همینطور است، یعنی اگر در درون مجلس از همه اعضا یک صدا خارج شود، معلوم است که نماینده همه مردم نیستند اما اگر از نظر تعداد در مجلس اقلیت باشند ولی بتوانند صدای مردم را منعکس کنند، می‌توان در جامعه تاثیرگذار بود. مرحوم شهید مدرس در مجلس یک نفر بود اما توانست تاثیرگذار باشد. این تاثیر علاوه در مجلس در جامعه آن زمان هم دیده شد و این تاثیر تا امروز هم محسوس است. بنابراین من فکر می‌کنم این موضوع مشروط به توانمندی نماینده‌های میانه‌رو و همچنین نوع تعامل اینها با احزاب و سازمان‌های خارج از مجلس است. اینها اگر بتوانند همراه باشند، مطمئناً می‌توانند در ایجاد انسجام تاثیرگذار باشند.



محدودیت دولت رئیسی برای انتشار کتاب خاطرات هاشمی

میزگرد رونمایی و بررسی روزنوشته‌های مرحوم آیت‌الله هاشمی‌فسنجانی در سال ۱۳۸۰، با عنوان «افراط در اختلاف» روز سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت در محل روزنامه‌ی شرق برگزار شد. در این میزگرد، حسین علایی، سیدرضا صالحی امیری، محسن هاشمی‌فسنجانی و محمد عطریانفر حضور داشتند. در ابتدای نشست محسن هاشمی با تمرکز بر تفاوت نگارش و متن خاطرات مرحوم هاشمی در خاطرات سال ۱۳۸۰ با خاطرات پیشینش، بر این نکته تاکید داشت که آن مرحوم سال به سال در خاطره‌نویسی به جای پرکنده‌گویی، موضوعات مهم‌تر را در خاطرات‌شان مطرح می‌کردند. در ادامه هم میزان سانسور و ممیزی خاطرات و نحوه اعمال آن برای انتشار پیش کشیده شد و مشخصاً به برخی محدودیت‌ها در این‌باره از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم اشاره کردند که در دولت روحانی این محدودیت‌ها وجود نداشت. به گفته محسن هاشمی، بخشی از این ممیزی به دلیل مسائل امنیتی و برخی هم ناظر به سلیقه‌ی سیاسی بود.



ببینید نتیجه خالص‌سازی تان را

محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات در دولت حسن روحانی در کاتال تلگرامی خود خطاب به‌مدعیان انقلابی‌گری نوشت: «جریانات مدعی انقلابی‌گری، پس از خالص‌سازی، به‌جای رقابت در «برنامه برای پیشرفت کشور» در حلقه محدودباقی مانده خودشان، رقابت در «چه کسی کمتر دزدیده» را برگزیده‌اند. خدا پدرش را بربازمد آنکه گفت: رسیده‌ایم به دوران (ابتدال امر سیاسی». عزیزان تصمیم‌گیر، ببینید نتیجه خالص‌سازی تان را.»



پاسخ به ادعای لغو سند ۲۰۳۰ توسط رئیسی

حسام‌الدین آشنا، مشاور حسن روحانی، در پی صحبت چندی پیش رئیسی در قم مبنی بر اینکه «در ابتدای دولت لغو سند ۲۰۳۰ را امضا کردم» واکنش نشان داد. وی در صفحه توئیتر خود مصوبه هیئت دولت روحانی را در سال ۹۶ منتشر کرد که طبق آن اجرای سند ۲۰۳۰ مصوب دولت در سال ۱۳۹۵ لغو شده است. در این سند آمده است: «هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۶/۴/۱۸ به استناد اصل یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد: «تصویب‌نامه شماره ۵۲۹۱۳/۵۷۶۴۰۳ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲۵ از تاریخ تصویب لغو می‌شود.»

تفاهم‌نامه بین سازمان انرژی اتمی و حوزه

محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور در جریان سفر اعضای هیئت دولت سیزدهم به استان قم با آیت‌الله علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور دیدار و گفت‌وگو کرد. در حاشیه این دیدار تفاهم‌نامه‌ای میان محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و آیت‌الله اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور با هدف هم‌فکری و هم‌افزایی، حمایت و همکاری دو مجموعه به امضا رسید.